



جوانان، ازدواج و خانواده

آذر دانه کار

سعادت‌مندی‌هایی در سایه آن پدید می‌آید. ازدواج سبب پدیدآیی همکاری، همدردی، یگانگی، نیرومندی، پذیرش متقابل و دور داشتن جامعه از آلودگی است. بدون شک اگر ازدواج ترک و نادیده گرفته شود، جرائم و کج‌رویه‌ها در جامعه توسعه و گسترش می‌یابد و ناامیدی، افسردگی، دلمردگی نسل جوان هرچ و مرج در روابط، بر جامعه حاکم می‌شود. آمار جنایات و خودکشی‌ها نشان می‌دهد که اغلب این اعمال از طرف جوانان مجرد انجام می‌شود و کمتر یک مرد یا زن متأهل اقدام به

پیامبران و رهبران اخلاقی و اجتماعی به لحاظ بستگی بقای جامعه به ازدواج و تولید نسل، ازدواج را اساسی‌ترین شرط ایجاد جامعه و مانع تباهی و سقوط جوانان دانسته و مردم را به انجام آن ترغیب کرده‌اند. در بسیاری از ممالک عالم که تجرد را عامل فساد می‌دانند، به وسایل مختلف جوانان را به انجام ازدواج تشویق می‌کنند و مزایای خاصی برای آن قائل شده‌اند. ارزشهای ناشی از ازدواج بسیار است و

جنایت، جنحه، خودکشی و سایر شرارتها می‌کند.

اسلام به عنوان یک مکتب آسمانی ازدواج را امری محبوب و مقدس دانسته، خودداری از آن را سبب نابهنجاری در رفتار و بیماری و فساد شخصیت می‌داند. ازدواج اهرمی بازدارنده برای حفظ و نگهداری انسان از انحراف و فساد اخلاقی است. ازدواج انسان را از بی‌پناهی و سرگردانی، پوچی و تنهایی نجات می‌دهد، نگرانی و اضطراب خاطر را از او می‌زداید و احساس ایمنی را در فرد افزایش می‌دهد. ازدواج شکستن حصار دوگانگی و رسیدن به ارزش والای وحدت و یگانگی است. ازدواج احساس مسؤولیت را تقویت می‌کند و احساس مسؤولیت همان وجدان اخلاقی است که نقش بسیار والایی در پاک‌زیستی و انضباط رفتاری دارد. وجدان اخلاقی در حقیقت دادگاه کوچکی در درون وجود انسان است که عامل بازدارنده از انحراف و گناه می‌باشد. ازدواج انجام وظیفه در برابر خداست. "یکی از نشانه‌های خدا این است که از خود شما برای شما همسر آفرید تا با او آرام گیرید و میان شما مهر و محبت قرار داد." (قرآن مجید، سوره روم، آیه ۲۱)

جوانی دوران بسیار مهمی از رشد جسمی و روانی انسان است و جوانان در این دوره پر - ماجرای زندگی حق دارند برای داشتن یک زندگی سعادت‌مند از تعادل روانی لازم برخوردار شوند. تعادل روانی مستلزم آگاهی و ارزش نهادن به احتیاجات جسمی و روانی انسان است. شخص سالم در عین اینکه از خصوصیات مثبت و برجسته خود استفاده می‌کند به محدودیت‌ها و نواقص خود نیز

آشنایی دارد. نظام اجتماعی هم از به هم پیوستگی و هماهنگی قوای روانی و جسمی افراد به وجود می‌آید، از این رو اجتماع سالم از افراد تندرست که دارای تعادل روانی باشند، تشکیل می‌شود.

دوری و گریز از ازدواج تعادل روانی فرد و جامعه را برهم می‌زند. ازدواج یک سنت فطری و نهاد اجتماعی است. ازدواج شخصیت فردی انسان را تبدیل به یک شخصیت اجتماعی می‌کند. در پرتو ازدواج، جوان هم آرامش فردی و هم آرامش اجتماعی به دست می‌آورد که موجب شکوفایی و پر محتوا شدن زندگی تازه او می‌گردد. ازدواج از نظر فردی ضروری است، از آن سبب که پاسخی مثبت به فطرت و وسیله‌ای برای تکامل و آرامش خاطر و دوری از پوچی و تنهایی است و به فرد احساس ایمنی می‌بخشد. کسی که به تنهایی زندگی می‌کند، از ازدواج می‌گریزد و به ارضای غریزه جنسی نظمی صحیح و اخلاقی نمی‌دهد، دستخوش فساد و تباهی و بیماری است و نمی‌تواند سلامت جسمی و روحی خود را حفظ کند. هدف بهداشت روانی نیز ساختن آدمهایی سالم، مفید و خوشبخت و پیشگیری از عدم تعادل روانی است و این منظور به وسیله ایجاد محیط فردی و اجتماعی مناسب حاصل می‌شود که در سایه ازدواج امکان‌پذیر است. ازدواج، احساس ایمنی و احترام به خود را در جوان تقویت می‌کند و سبب پیشرفت و سازش و تعادل روانی او می‌گردد. ازدواج موجب می‌شود که جوان به خودشناسی، کنترل رفتار ارادی و درک درست از واقعیت دست یابد و احساس خودارزشمندی کند. بدون شک چنین فردی با دیگران روابط مهرآمیز برقرار می‌کند،

مؤلّد است و بازدهی دارد.

ازدواج موجب تعادل اخلاقی، عقلی، اجتماعی و عاطفی است. ازدواج پلی است برای رسیدن به ارزشهایی که ضامن تعادل روانی جوان است. با ازدواج روح پراضطراب جوان به سوی اعتدال و امنیّت می‌رود.

جامعه متعادل و سعادتمند، جامعه‌ای است که روابط جنسی و تولد و تناسل در آن منظم و بر اساس صحیح استوار باشد. جامعه آزاد و بی‌بندوبار با فساد، تباهی و عدم تعادل روبروست. هسته مرکزی جامعه خانواده است که با ازدواج شکل می‌گیرد. خانواده ضامن تکامل اجتماعی و محور حرکت سالم جامعه است و دوام آدمیان بر آن استوار می‌باشد. جامعه‌ای که افراد آن از تشکیل خانواده و قبول مسؤولیتهای آن شانه خالی کنند، روی خوشبختی، ترقی و تعالی را نخواهد دید. جوانان مثل غنچه‌های ناشکفته هستند و باید قبل از آنکه از برکت ازدواج بهره بگیرند عطر خویش را در درون خود نگه دارند. بعضی از جوانان سعی می‌کنند که از نظر روحی رشد کنند و زندگی روحی خود را توسعه دهند و از طریق تفکر و خلسه و با پشتکار فردی به خدا برسند. اما این راه رسیدن به خدا نیست. کسی سریع‌تر به سوی خدا می‌رود که دیگران را دوست بدارد و کسی که با این اصل زندگی کند همیشه با جدایی و تجرّد مخالفت خواهد کرد. برای دستیابی به خوشبختی و یافتن انگیزه پیشرفت، پیوستن به فرد دیگر لازم است.

خانواده به عنوان یک واحد تربیتی و اجتماعی با نظام ارزشی پایدار، در حسن تأمین نیازهای زیستی - روانی جوانان و شکل دادن به شخصیت آنان نقش اساسی دارد. چراکه خمیر-



مایه شخصیت فرد در محیط خانواده شکل می‌گیرد. مقدمات کار تربیت در درون خانه و به توسط پدر و مادر، اولین الگوها و سرمشق‌های کودک پایه‌گذاری می‌شود. بنابراین زن و مرد باید با عشق و علاقه متقابل با هم ازدواج کنند و زناشویی آنها روی اصول همسازی، غمخواری و تشکیل خانواده استوار باشد، زیرا صفای باطن و عشق متقابل پدر و مادر عیناً به کودک منتقل می‌شود و باعث می‌گردد که پدر و مادر و علائق خانوادگی تکیه‌گاهی استوار و پابرجا برای کودک به شمار آید. در واقع خصوصیات اخلاقی و طرز رفتار پدر و مادر کم‌کم در شخصیت و منش کودک تأثیر می‌کند و تربیت صحیح و محیط گرم و آرام خانواده سبب می‌شود که کودک به صفات پسندیده و قابل قبول از نظر اجتماع آراسته گردد و ضمن سازش با محیط نیازهای ضروری خود را به موقع احساس نماید، که این امر پایه‌گذار روندی صحیح و منطقی در زندگی فردی و اجتماعی او در دوره نوجوانی و جوانی خواهد بود.

صالح دارد، خدمتی است به مکتب و مذهب که تعالیم آن از طریق خانواده حیات و تداوم پیدا می‌کند و خدمتی است به اجتماع برای دوری از عوامل فساد و لغزش و ایجاد احساس مسؤلیت در افراد.

جامعه متشکل از خانواده‌هاست و مختصات آن از طریق روابط خانوادگی قابل توصیف است، تا آنجا که توسعه اقتصادی یک ملت نیز تأثیرپذیر از تشکیل خانواده است. اینکه در آینده شاهد گسترش ازدواج جوانان و توسعه بهزیستی و سلامت جامعه باشیم، بستگی به این مسأله دارد که تا چه حد در انتقال اندیشه اهمیت و قداست خانواده به جوانان موفق شویم. بدون شک ملتی خوشبخت و از تعادل روانی مطلوب برخوردار خواهد بود که زندگی جوانان آن ملت نوید دهنده حفظ ارزشهای اخلاقی و خانوادگی و در نتیجه اجتماعی سالم و رو به توسعه باشد.

پدرومادر به صورت طبیعی و ناخودآگاه و نیز به صورت اختیاری در شکل‌گیری سعادت و سلامت فرزندان بسیار مؤثر هستند و حمایت آنان در امر ازدواج جوانان، وظیفه شرعی، اخلاقی و اجتماعی ایشان است؛ به لحاظ آنکه امر مقدس و پراهمیت ازدواج برای حفظ عفت جامعه ضروری است و خانواده نباید نسبت به آن بی تفاوت باشد.

این حق جوانان است که در زمینه ازدواج و همسرگزینی از سوی پدرومادر با صراحت و مهربانی راهنمایی شوند. آنان موظف هستند با ایجاد زمینه و امکانات و تسهیلات لازم و تبلیغ ارزشهای مذهبی و انسانی خانواده، اهمیت روابط متقابل اجتماعی و حیات توأم با سکون و آرامش، جوانان را در امر ازدواج تشویق و یاری کنند. تشکیل خانواده خدمتی است به زن و مرد که برای حیات مشترک پیوندی برقرار می‌کنند، خدمتی است به کودک که نیاز به مربی و معلمی

منابع:

- ۱- افروز، غلامعلی، ۱۳۷۳، چکیده‌ای از روان‌شناسی تربیتی، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران.
- ۲- جهان‌ستان، جواد، ۱۳۴۲، خانواده و بهداشت روانی، تهران.
- ۳- روحی، م، (مترجم)، ۱۳۵۷، مسائل جوانان، رشتوف، بیوتر، (مؤلف)، انتشارات چکیده، تهران.
- ۴- شاملو، سعید، ۱۳۶۶، بهداشت روانی، انتشارات رشد، تهران.
- ۵- صاحب الزمانی، ناصرالدین، ۱۳۴۲، روح نابسامان، انتشارات عطایی، تهران.
- ۶- قائمی، علی، ۱۳۷۲، تشکیل خانواده در اسلام، انتشارات امیری، تهران.
- ۷- محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۷۱، ازدواج آسان و شیوه همسررداری، انتشارات نبوی، تهران.
- ۸- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، تهران.
- ۹- میلانی‌فر، بهروز، ۱۳۷۲، بهداشت روانی، نشر توس، تهران.